

ارشاد الناس

در شرح حال مرحوم شیخ عباس

مصباح دستگیری "ه"

(ق ۱۴۰۸ - ۱۳۲۶)

تألیف

سید مصباح الدین محمدوی "قه"

«در بیان»

جلد دوم فیض علی

«دارت الناس»

در شرح حال مرحوم حاج شیخ عباس مصباح

درگذردی علیه الرحمه

۱۳۹۶/۹/۸
شماره ۸۶۵

سید مصطفی الدین مهدی

تألیف و وقف ۱۴۲۰ هـ
مکتبه کتبه الدین النجفی
ایران - اصفهان - مسجد نوربازار

کتابخانه آیت الله العظمی
شماره ثبت ۱۰۹۴۶
تاریخ ثبت ۹۲-۷-۷

شماره
13
تاریخ
پوست

نامی مقالا
ه سازی چا

بسم الله الرحمن الرحيم

رب سہیل دیش

الحمد لله وسلام علی عباده احمدی صلی علیہ وآلہ المعصومین و

در کمر گاه چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۰۸ شمسی بزرگوار واعظی خدمتگذار نویسنده ای
منتہد و برگزیده (مرحوم حاج شیخ عباس معین دستگیری) رحمت لایزال برای فانی بر بست و
بدیگر برای بیست.

خانوادہ محترمہ - دوستان دانشمندان و داراد خداوندی و زبده کمال تأثر و تألم گریان
و فغان بخاندان با غرت و احتیاج بمولود و نقل کرده و پس از انجمن مرا سمند بی رزق و
تکفین و قافله نماز در جنب امانزادہ محل دفن کردند و چندین روز در دستگیر شهر در مسجد مستند برای
اجتماع بمقام علمی و زیارت و تضرع و همچنین تہنیت و عزاداری و خدایت دینی و مرحوم از آئین جماعت و مینور و عطا
و تذکیر و ذکر و تضرع و مصائب اہل بیت علیہم السلام و تالیف و نشر کتب و موضوعات مختلف (مطالعات)
و اصول دین و اخلاق و تفسیر قرآن مجید و غیرہ مجامع فائزہ منعقد نموده و عموم طبقات و اخص
علماء بزرگوار و طلاب علوم دینی و دیگران بدان شرکت کردند و از فقہران چنین دانشمندی
از اخبار تألیف کرده و فائزہ خواندند و گویند لکمان در مجامع فائزہ از او و خداوند تأثر پذیرد و آری
همہ این ہا اہمائی بود کہ بر آن موقفی و رفد گذر بود.

جمعی از دستگان و داراد خداوندی با و همچنین فرزندان عزیز و دانشمند شرکہ در راه تحصیل
علم می کوشند و امید است کہ چراغ علم و معرفت را همچنان در این خاندان روشن و روشن نگاہ
دارند بر آن شدہ کہ یادنامہ ای برای مرحوم تہیہ کنند و نشر دہی از زندگان

صلاصه ای از سیر حال مرحوم حاج شیخ عباس مصباح رحمه الله علیه

نام: عباس

پد: ملا حسین فرزند محمد علی ^{معروف به} ~~خواجه~~ آراسته معروف به خادمی

۲

مرحوم ملا حسین به جادوش و در دیش معروف بوده و در دستگرد مورد احترام د

مکرم رانی از خواص دعوائ ^{بوده است} در زمان حیات مرحوم آخوند ملا عبده الکریم گزی در ۱۳۴۹ در وفات

آن عالم جلیل از روی ارادت خدمت یکرده بچون صدامی رسا و کرداری رکن

و گرا داشته در موقع نماز مؤذنی میکرد آه مری شومن و سحر خیز داهل دعا و ذکر بوده و در سحر

به اعتقاد معده جادوشی میخواند مرحوم ملا حسین، صمدی و سیوطی در خلاصه پد در روزگار عبدالحی

احل بیت علیهم السلام خواندن روضه و گفتن اذان در سجده رسته دستگرد مشغول بوده است در اهل محازنه گمانی

مرحوم زمامی گزی مورد توجه و غایت ایشان بوده و بکرات آن منزل تهیه می کند و براختنای وی شهل

میخواند و به ملا حسین روضه خوان گزی معروف میگردد

مرحوم ملا حسین روضه خوانی خود نقل کرده است که در یکی از سفرها که نجف اشرف بودم در ایام طوایف حضرت

مشغول دعا و زیارت بودم دیدم طلاب درخت دانه در محفل ظاهر مرا تجدید کرد و از خود بخود

در آن حال از فدا نه سئلت کردم که مرا فرزند پیری غایت فریاد که اهل علم و عالم شود در عالم رزیا

مهم شدم که خداوند معایم را قبول فرموده است

فرزند می که از خداوند متعال در محفل مظهر درایی فریاد معس بدعا از فدا خواستم متولد شد

۱۲۵۰ هجری قمری عباس که گزیدم

تا ریخ تولد: تا ریخ تولد مرحوم حاج شیخ عباس بطریق تحقیق جانی ثبت نشده است لکن بطور تقریبی

در بین سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۸ در یکی از این سالها قمری در قریه دستگرد به دنیا آمده است

و در آن کودکی دوره کودکی مرحوم صباح در قریه دستگرد همچون دیگر کودکان ده نشین داشته

است و پس از رسیدن بس هفت سالگی در مکتب خانه ای که در ده نابیره بوده و همچنین در نزد

پدر مشغول تحصیل گردیده است

تشویقات مرحوم آقای گزی رضا الله علیه و پس از وفات ایشان مرحوم حجت الاسلام عالم

بزرگوار مرحوم حاج میرزا محمد رضا کلباسی که بجهت جزئی عداقه ملکی که در دستگرد داشته بدان محل زیارت

و ذهاب مسنوده و در مسجد کربلای قم جماعت کرده و در مکتب مردم را موعظه و ارشاد مینموده و همچنین

در شبهای جمع دعای شریف کملی را قرائت میکرد و مردم محل و کوشین با و ارادت میوزیدند و

بالاخص مرحوم ملا حسین روضه خوان خدمت ادا میفرمودند و فرزانه عزیز خود را بنزد او جهت

استفاده علمی و فنی و فاضل معنوی میبردند که در اثر ارشاد و کرامت الهی این دانشمند جلیل

مرحوم حاج شیخ عباس معذرت علوم را در نزد ایشان و دیگران بخوبی فرا گرفت

مرحوم آقای کلباسی که حقا عالمی فاضل و متعهد بود و بی رغبتی برخی از آقا را از اهلان شهری

را در تحصیل علوم دین مشایده میکرد بر آن شده که این جوان با استعداد و هوشیار را که خود

ایل است تحصیل کند لکن مقتضیات زمان و وسائل کافی برای ادو قی نیست لکن ویری

نماید بنا بر این مرحوم حاج شیخ عباس را که مدتی از آن جوانی بیت و خد ساله شده بود به همراه

خود بشهر کرده و در منزل خود جای داده و پدرانه از وی پذیرائی می کند

مرحوم حاج شیخ عباس از این موقع شهرتین شده و در آن حیات پیر و پادشاه بعضی از مشایخ و علمای کرام

جهت دیدار آنانی به دستگرد میرفتند و چون محضر ایشان را دیدند آنرا خرم و خرم و خرم و خرم

سلامت و کمال و رحمه الله علیه

آشنائی من : مرحوم حاج شیخ عباس مصباح در اوایل سال ۱۳۱۲ شمسی مطابق سال ۱۳۵۳
قمری (آشنائی من : مرحوم حاج شیخ عباس دستگیری می باشد)

۴

در آن موقع من یکی از دوستان در خدمت عالم جلیل و فاضل نبیل سید مستند و جبر مقتد و عظم
بصیر و دانشمند نجیر استاد بزرگوار آقا سید حسن مدرس میر محمد صالحی کمال جلیل علامه تمام زاده عابد

و فقیه کامل مرحوم آقا میر سید محمد (۱۲۹۰ - ۱۳۵۵) فرزند عالم جلیل آقا میر سید علی مدرس میر محمد صادقی (

۱۲۵۳ - ۱۳۱۹) فرزند علامه بزرگوار استاد مجتهدین مرحوم آقا میر لید حسن مدرس (۱۲۷۲ - ۱۳۱۲) رفته البر

علیهم و همین بعد از ظهر؟ منطق بخوانیدیم. طبع مدرس در مدرسه میرزا حسین جنت سجد سید در بازار بیضا

بود. هر روز ایشان را می دیدم که با قیافه جویبار و روحانی که هر بیننده ای را مجذوبه می ساخت

مدرس میرزا حسین می آمد و در حجره مرحوم حاج آقا جمال الدین فخری رفته و در خدمت ایشان ننهد میکرد

در آن موقع ایشان قریب بیست و پنج سال با یکی بیشتر و کمتر از نشان گذشته بود. از آن روز من با این

مرد روحانی آشنا شدم و در آن اول فقط سلام و احوال پرستی و پس به دوستی و دوستی و بالاخره این آشنائی

و بر خیزد به ارادت منتهی گردید و الحق شایسته ارادت بود.

مرحوم مصباح موقعی شروع به خواندن دروس دینی و تحصیل علوم مذہبی نمود که کلیه عوامل

و بخصوص دستگاه حکومت علیه روحانیت تجهیز شده بود. حکومت وقت با کمال قدرت و سرکشی

در محو آراء علوم اسلامی و عقاید شیعه همکاری می نمود. در اوس دینی را بعنوان فتنه مدرسه جدیدی

پس از دیگری خراب می کردند و حال آنکه منی چه فریب گردان و نه بیشتر از قیمت زمین بدو اگر میخواستند

برای مدرسه جدیدی بنی تکیه کنند. مصباح این مدارس را بشن بخش در ارم نمود و بیک عده سودجو و از خدا

چه خبر میفرودختند و آنرا در ساختن خانه های خود بکار میبردند و از حکومت و غیره شریع و بین آن

عفت داشتند (مدرس شاهزاده؟ - مدرس مبارکه - مدرس حاجی گلپایی - مدرس المیه و غیره)

[illegible]

در این سالها علم مردم از تحصیل علوم دینی رو دیگر دان بودند بطوریکه بیشتر خاندانهای علمی در آن
در اصفهان و اغلب شهرهای ایران که سابقه سیصد و چهارصد ساله داشتند منقرض گردیدند و دیگر کسی که
آن خانواده در لباس روحانیت و زنی اهل علم نبود بهم و بهر روی بدینارده ^{تحصیل} و علوم دنیا و مایه را
بر تحصیل علوم دلی حقه صلوات الله علیهم رجوع نمودند و جمیع دلایند و لغو دایم من ذکر الانحراف

عده ای از علما و شرافت مند و بزرگوار و جمعی از طلاب علوم دینی با همه این سختیها و محنت گریها تقاضای
کردن و التماس می نموده (ای بزرگ، بزرگتر از این چه در دایم و مسکن آید نموده و با همه این کیفیات خود را از
شرعیاتین انسی یعنی نامورین شهر بانی آنروز محفوظ داشته و ترک درس و محنت و لباس روحانی نگذاشته

به سختی زندگی کردند و در تنگدستی و ضیق معیشت شدند روزی بیکه هفتقه با مجبوراً در خانه خود

متحصن

و خانه نشین شدند تا به تحصیلات خود ادامه دادند. اینان از روی حق و حقیقت شایسته آن

مقامی

بودند هستند که درباره ایشان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شایسته رتبه فرمود:

۸

اللهم ارحم خلقی خدیجاً بنائبینک راجعاً کن و مورد رحمت خود گردان خودتس عرفت شد که:

ای رسول که ای که درود و کجیت خدا بر شایسته بنای شایسته کنی هستند که

ب

فرموده: الذین یأتون من بعدی یروون حدیثی و سنتی.

و بر وایت دیگر بنقل از راهی شیخ صدوق رحمه الله علیه:

الذین یقتبعون حدیثی و سنتی ثم یعلمونها امتی.

و عوالم العلم والمعرفه ص ۱۷۴ جلد ۳

از خداوند بزرگ و تعالی بخواهیم که همه علی و بیگ در مدت اختناق و فشار دست گردند و از لباس

روحانیت

خارج نشوند و اگر ظاهر را بخیر لباس داند و ترک تحصیل علوم دینی ننهند و نگذارند در سلسله روایات

خلایقی ایجاد شود مورد رحمت واسعه خدا قرار دهد و در جرم صبیح را نیز از همان کرده منظور دارد.

۹

تغییر لباس / دمانیت : عن الصادق علیه السلام -

خداوند بنا را که ملتانی بر مکی از پیغمبر و وحی مرستاده که :

لا تلبسوا لباس اعدائى ولا تطعموا مطاعم اعدائى ولا تملكونكم اعدائى فقلو نوال اعدائى

یعنی: ۱- لباس دشمنان را میبوسید (مانند زان لباس نبوسید)

۲- غذای دشمنان را مخدیه (از انواع خوراکیهای که آنها مخدیه بگویند خورند...)

۴۰ - به راه ورودش دشمنان نزوید، مانند زمان تکلیف رستگاری سیدسی و اضراب حبیب و

راست و افراطی نه مید و هر یک برای غیر از راه حق و حقیقت و عراط المستقیم دین و شریعت

سیر نکنید که اگر چنین کردیم در این حال رز دشمنان من خوار می‌بود

یکی از گرفتاریهای زمان رفعت شاه که همه مردم ایران بخصوص علمای دودانستمدان و طباطبائی علوم دینی بانی

دچار شدند و در نتیجه آن هزاران مصیبت و کجی و زحمت افتادند تا آنکه تغییر لباس و اتحاد شکل

بعد از آن قانون یکی از قوانین سطحی نبوده که بر خلاف قانون اساسی و موازین عقلی و عرفی مبنی بر

از آزادی از خداد در تعیین نوع لباس و مکن در آن سالها بخواست بیگانهان و جمع شد این

تا چون بصورت خطی هر دو اثر قبلین است را منته در آنکه بر سیم را بدی شاه در دستگاه دولت و حیر

خواران استقامت و صفت و حتی لایم و ضروری جلوه گر شده بعد یکی روز ماحترین و مکتوبترین عوامل در

اگر بیدار باشی و بفیضان ملکیت ایران و ایرانی د تقویت روح غریب گزائی بده با این نیت و مقول

عبداللہ خواجہ رستہ رگران بدست نامورین و نردودان حیات پیشہ داخلی کہ ممکن بسم تحریر خواہد

مکرزاد اندیشی و مبارزه با جهل و خرافات و دیگر عناوین فریبده علیه اسلام و شیعه شروع به

فعالیت کرده بودند. گاه دم از تغییر خط میزدند و خط فارسی را مانع پیشرفت ترقی ایران می

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در تغییر کلام - یزید بن ابی سفيان -

الکفر علی

وَيَا بِي إِلَهُ الْوَحْدَانِ

ص ۱۰۰

دستار و سبک است و بی دریغی دانشی گمان خواستند که نه خدا را خاوش کنند در دین
 مساجد را بستند. از زانوی محبت و غلط و غلط به دگر من آید و مصائب اهل بیت علیهم السلام
 مدارک دینی را خراب کردند. روحانیون را خانه نشین کردند. مردم را نسبت به آنها بد بین ساختند
 و ... این چنین نخواهد بود و خداوند اراده فرموده که این نزد برای همیشه و الی الابد ردش
 و تا بان باشد اگر چه گفتی نخواهند.
 چراغی را که از دیر بر حروزد
 هر آنکس پوف کند ریشش بسوزد
 و چه خوب می گوید مرحوم صفیر اصفهانی

نافه او مدتی خدا بر جاست. بیرونش را که بلا بر جاست.
 و چون از حد شکل بر سینه عده ای وکیل مقوم دینال بنصوب رسید و آنرا جهت اجراء بدست بر عده
 زندان است. در آن مکان در اجرائی آن از بیگانه ظلم و ستم و در از مردم و متانگی و سنگی دقیقه
 گویا می نمرند. به بسیار دانشمندان عظیم و بزرگوار که مورد آفات و اذیت و سبب نمانی که
 از خرابی غیر شده. و چه رسد به مادی مردم شیر از جود و عبادت و عبادت و عبادت و عبادت و عبادت
 زمان سکای که بدست این در خیانت از مغفل است تو یاره شد
 شرح این ماجرا و رسیدن های لغتی است نه گفتنی در این زبان گلدان و وقت در آن
 عده ای از اهل علم که عداقتند بیکان و متعصبان و عداوت دارند در زیر عیان کلامی نهاده اند
 که اگر با یکی از مومنین برخورد کردند فوراً عداوت پیدا می کنند و کلام لغتی یعنی اهل
 را بر سر گذارند و از شرفا لمروائی حاصل کنند. مرحوم حاج شیخ عباس میساج نیز بر حسب آنچه براده و محرم
 ایشان گمانی اگر فادحی و تجردی نوشته اند خود را باین حقیقت از دست آوردن بخت میدارند.
 و چون طلاب و مدرّسین در مدارس دینی تأمین نهاده اند بنابر این جمله درس عموماً مخفیانه و در
 منزل مدرّسین تشکیل می شود البته در موقع در منزل بسته بود و مراقب بودند که بهادر فردی
 تا اهل آن وجود این جمله آگاه شود و آنرا به اطلاع کلامی برساند

وز ذکر اعتقاد صاحب الهدایه جلد یکم بطور تفصیل بیان گردیده شرح فداست اجتماعی رسیدنی ایشان
و حیاج به کتابی دیگر در سالهای دیگر دارد

۱۲

مرحوم آتای خادج در جمعه سوم شعبان ۱۳۱۹ در صفهان متولد گردیده در صفهان و نجف در زادگاه و
بزرگان آنکه خود تابعات عالیله علم و اجتهاد رسیده و با صفهان مراجعت نموده و بعد ریس فقه و اصول را آقا
جماعت پرور خسته در مدرسه صدر تدبیر در مسجد مدرسه الشافعی و مسجد نوحان رسولیه آقامه جماعت میفرمود کتب و تالیفات
چندی در فقه و اصول دارد که غیر از کتب: دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنامی بیگانه است. در سال
آخر ریاست حوزه علمیه صفهان بر جد ایشان تعلق یافته و الحقیقت است که از این مقام بود عدد زیادی
از علماء و فضلاء صفهان از شاگردان حضرت بودند.

مرحوم آتای خادج در صبح روز دوشنبه ۱۸ جمادی الثانیه سال ۱۴۰۵ در صفهان وفات یافته و جنازه روز شنبه
پیرشد متدفن شد در دیوار حرم حضرت زین العابدین علیه السلام مدفون گردید.

۳

۴ - مرحوم آتای خادج محمد رضا محمد آبادی متدات صرف رنج
مرحوم آتای خادج محمد رضا فرزند کاکه عالم فاضل متقی از زمره اخیار و مورد وثوق عموم علماء و صفهان
در مدرسه ولکونیک مدرسه باقریه ساکن در این شهر خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و از راه معاش (از)
راه دستبازان و روزی میفروخته و در این قسمت مورد توجه عموم علماء و مدح و ستایش بود مرحوم
حسینی صدیقین در حرم حاج آقا محمد تقی در حرم حاج آقا حسین خادج که در امر استبصار از غایت احتیاط
و چار و سواد بسیار بود و از اقوال مشهور و از من بود و در این مرحله از این آقاان بوی هر از هر
بر همه مردم ثابت شد.

مرحوم آتای خادج محمد رضا باقری محمد آبادی در شب ۱۳ رجب سال ۱۳۷۸ در صفهان وفات یافته و تحت حفاظت
لیله حاج آقا محمد تقی مدفون گردید و رقه الله علیه

۵ - مرحوم آیت الله آقا سید محمد رضا خراسانی - خراسانی - شرح بگیر.

مرحوم آیت الله محمد رضا فرزند عالم زاهد جلیل حاج سید محمد جواد جری ر ۱۳۷۱ - ۱۳۵۲ از زمره عالم جلیل آتایند
محمد رضا خدمت ذی فقه ۱۳۰۲ از زمره مرحوم عالم جلیل و مجتهد نبیل و فقیه کامل حاج سید علی

در سال ۱۳۸۷ منجبت حجتی زند دولت اسرائیل به منطقی و انضامی مسجد لایق.

در اعلامیه اول می نویسد :

۱۶

گزارشیت الله فنی چه عملی انجام داد جز اینکه خواسته است از حرم مقدس دین شیعیانی کند، ریت سید را کوتاه کند، مانع نشود بیگانگان در کشور خود ملت ایران را از نظر که بعضی از آنها روی آورده و طی می سازد دنیا بداند که هدفش و هدف تمام روحانیت ایران بلکه روحانیت شیعه و اسلام است. خواسته است دنیا بداند که هدفش و هدف تمام روحانیت ایران بلکه روحانیت شیعه و اسلام است. خواسته تمام روحانیون است. دولت باید بنحوی روحانیون توجه کند و تمام اجرای دستور دین مبین اسلام

برگزیده تاریخ چهارم رجب ۱۳۸۴

در اعلامیه دوم با توجه دادن مؤمنین به کلمات کریم میفرماید :

ما که عامل بدستورات دین نیستیم گفتار با مسط نخواهند بود درستی از این اعلامیه آمده است (مؤمنین ز سبکی) باید از هر گونه ارتباط با اسرائیل و اعمال آن دیویدان خودداری کنند.

تاریخ ۲۸ ریح الاولی ۱۳۸۷

۹ - مرحوم حاج میرزا علی محمد نجف آبادی صاحب فقه و اصول.

علامه فقیه متکلم عالم عابد زاهد واعظ متعظ کامل مرحوم حاج سید علی فرزند سید حسن بن حاج میرزا

محمد بن محمد بن عزیز بن عظیم بن نصیر بن حکیم مؤمن بن میرزا حسن حسینی تنگابنی و صفهانی :

مرحوم حکیم مؤمن زودت ۱۰۸۶ هجری قمری : تبحر در کتب مؤمن و تبصرة المؤمنین از اطباء

مؤلف دوران صفویه بوده و معاشرت و سلیمان (اعتقاد) می در صفهانی ساکن بوده و اظلال و عاشق

در شهر سکونت داشته اند و برخی از آنان در فقه و فقهی به نجف آبادی هجرت کرده اند که صاحب عنوان

از اعقاب او می باشد.

مرحوم نجف آبادی از بزرگان علمای و مدرّسین و صفهانی بوده و نجف آبادی متولد گردیده و در

صوفی و صفهانی و نجف زودت خدمت جمعی کثیر از کبار مجتهدین تلمذ نموده در فقه و اصول و حکمت و

کلام و تفسیر و حدیث و دیگر علوم اسلامی صاحب نظر و مراجع نقی و تدویر در صفهانی بوده و در جامعیت

در

دبیر علمای محاصر به نظیر بود بر فخر از اساتید و بدارتند از میرزا احمد تقی شیرازی و صاحب
 میرزا فتح الله خان سیستانی معروف به شیخ الشریع و آقا سید محمد کاظم یزدی و آقا محمد کاظم خراسانی و آقا سید
 محمد فاضل رکنی و بدار فخر آقا شیخ هادی طهرانی رحمه الله علیهم اجمعین . در دوره انقلاب مشروطه باین مراتب
 نموده و در دوره استبداد صغیر و جنگ جهانی اول و تصرفات صغیرا بسید رسیده و چهار مصائب در آنجا شده
 و مجبوراً مدت زمانی در سرزمین نجف اعلی طهارت توارگی بوده و در این زمان نذر میکنند که اگر از این
 مهالک نجات یافت بمغیر رفته و ضمن ارتداد هدایت و نشر افکام و تبلیغ اصول غفایه در آنجا
 خاندان عصمت طهارت کنند و چون نجات حاصل شد بنذر خود را نموده علاوه بر امامت جهانت در
 مسجد تطبیع و مدرسه صدر و تدریس و تفسیر علم کمال محمد علیهم السلام در مدرسه جده و مدرسه صدر امین
 نیز تشریف میداد و مردم را موعظه میفرمود . و باین نیت علمی خود حاضرین را بهر دین و مذهب
 در جلسه درس ایشان عده ای از افاضه طلب که بعداً هر یک از فحول دانشمندان و علماء و مراجع بزرگ
 شدند شرکت میکردند . مرحوم نجف آبادی در مراتب زهد و تقوی و اعراض از مردم دنیا و عدم
 توجه به اعتنائی بر اغنیاء و صاحبان قدرت الحق بنظیر بود .

مرحوم نجف آبادی پس از یک عمر خدمت به اسلام در صبح روز جمعه ۱۳۱۱ هـ . صفر الحزین ۱۳۱۱ در
 جمعه مدرسه صدر و نیت یافته با تسبیح بنظیر خنجره به تحوت و زاد محل گردید . پس از انجام
 مراسم مذهبی از تخیل و تلقین و نماز در بقعه ای که توسیر کاتی دفن گردید رحمه الله علیه
 از آثار قلمی او : رساله ای در حدودی بر حدودی مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی برکنیده است و درش بنظر
 ۱۰ - مرحوم حاج شیخ محمد مفید منقول حکمت

حکیم خود گوید : عالم عابد را هر فیلسوف ادیب نصیب و ایمان الله که از بزرگان علماء و حکماء و کوفی
 مدرس حکمت در اصفهان . فرزند مرحوم شیخ مفید از سلسله شیخ میرزا باد از اعتقاد شیخ زاید گیلانی

در سجده نو باز کرده و در یکی از سجدات بعد از نماز جامع که معتقد که با دعا ایالات میبندد. در
این احوال فرمودند اعلام و جامع الشرائط و صاحب نظر و فتوی در اعتقاد شخصی میرزا زینت مرحوم داماد
و شایستگی و بخشیدن بعد از فوت مرحوم حاج محمد رضا سجد شاهی و جامع میرزا علی نجف آبادی منحصر به
ایشان بعد از فوت ایشان در صبح جمعه دهم ربیع الاول سال ۱۳۳۴ ریاست حوزه علمیه صفهانی به
مرحوم تاسید شده رضا خورشید محلی گردید و مرحوم آیت الله صاحب نظر و فتوی و نظر گردید.
مرحوم درجه ای عالی را زینت با تسبیح قابل توجه به تحت بهادر حمل کرده و در بقعه بیکه کی زردی
در جنب برادر مدفون گردید. رفته الله علیه.

۱۳۱۲ ر - مرحوم آخوند ملا عبد القیم تری - ملا حسین رفته خوان تری
در شرح حال شخصی که زمانی دیگر خادمی بود در آن مرحوم در شرح حال برادر زشته است می گوید :
پس از رسیدن بسین پنج سال شروع بخواندن در مدرسه و در خدمت پدر مشغول گردید و در کتب
و همچنین در قرآن و حفظ رفته جست و خیز می نمود و از نظر لطیفی که مرحوم زمانی تری پدر او داشتند
ای فرزند گرامی را نمودند غایت قرار داده و در سر میدادند.

اجازات : مرحوم حاج شیخ عباس صباغ از چندی نذر از صباغ و در جهت دین بزرگوار در توفیق
احادیث و همچنین اخذ تصرف در سهم بزرگ دام علیه السلام و تصرف در امور حسبیه که در حقیقت
بدادن چندی دارد اجازه داشته است و گوناگون است و از : ۲۰

- ۱ - حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خونی متبع الله المسکین بسبیل تبارک
 - ۲ - آیت الله العظمی مرحوم آقا سید ابوالحسن مدیر ایام و سخنانی جهت اخذ سهم بزرگ دام علیه السلام
 - ۳ - مرحوم آقای حاج آقا حسین خادمی جهت اخذ تصرف در سهم بزرگ دام علیه السلام
 - ۴ - آیت الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین بروجردی بنام آیت الله العظمی خادمی جهت اخذ سهم
 - ۵ - مرحوم آیت الله العظمی مرحوم آقا سید عبداله شیرازی
 - ۶ - مرحوم آیت الله العظمی آقا سید عبداله ای شیرازی اجازه در آیت اخذ سهم بزرگ دام علیه السلام
- پنجم محرم الحرام ۱۳۸۲ هـ ق
- ۷ - حضرت آیت الله حاج سید علی علامه فانی اجازه در آیت اخذ تصرف سهم بزرگ
دام علیه السلام تاریخ اجازه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۸۸ هـ ق
 - ۸ - مرحوم آیت الله العظمی حاج سید حسن حکیم طاهری اجازه در آیت اخذ سهم تاریخ ۱۳۸۴ هـ ق
- اینک جهت مزید آگاهی خوانندگان از چندی نذر از صباغ و در جهت دین بزرگوار در توفیق
احادیث و همچنین اخذ تصرف در سهم بزرگ دام علیه السلام و تصرف در امور حسبیه که در حقیقت
بدادن چندی دارد اجازه داشته است و گوناگون است و از : ۲۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین و الله اعلم
بالحقین الی یوم الدین با طهرین کشفه الله بقل و عظیم ترین لغت ربانیه خلقت
هدایت انام و شرمعارف و احکام است که حق سبحانه و تعالی باند ام زمره صاحبکاران و اولاد

خود بیوشاند و از جمله افراد شریف و جلیل که این نعمت عظمی منعم به باشند. جناب
 عظمی جلیل و خاتون بیبل، الفقه المعتمد الامین، ناشر الاحکام، مفسر ربای القرآن، الحجۃ الجلیل
 الحاج شیخ عباس الشہر بمصباح دست ایام امانتہ میباشد. خدا خیر ناه سنین متوالیه
 فوج ناه بکافحی فی سبیل التحصیل و الکمال مستجیباً عن الهوی و الضلال تطوی لہ و
 جزاه اللہ عن الاسلام غیر الجزای برادران ایمانی لازم است کہ وجود مبارک ایشان را معتمد
 شمرده از برکات و جود شریف منظم له استفاده نمایند.

و جناب ایشان از طرفین جانب بجا زنده در افتاد حقوق شرعیہ و منظام المردوده و صرف آ
 در مصارف لازم و غیر مأذونند در افتاد سهام مبارک اسلام روحی لمقدم الشریف النور و صرف
 آن در تنظیم مؤنه متعارفہ ما دام الترویج و خصوصاً در طبع کتابهای دینی کہ مایه خفا و تحریک
 و تنویر افکار آنها باشد در سال بقیه بجزنه علمیه نجف اشرف در زدن این جانب و اجرت
 لا لا نور الحسبیه التي ارفعها محول بنظر الفقيه وان يردني عني كل ما صحت لي روايته
 بطريق المعهوده عن الكتب المعلومه و اوصيه بالاحتياط فانه سائل بحر الحكمة والسلام
 عليه و على اولادنا المؤمنين و رحمتهم و رحمة الله . بلدة اصفهان بيت دجهانم حج لا يكثر اريد
 و نهند و مهت ۱۳۸۸ بداره المحوره لا اضر على الحسيني لا اضر على العلاء الثاني، تبریک

سبح لله: عبده الثاني علي الحسيني

تألیفات: در کتاب شریف کافی از حضرت صادق علیه السلام از پدرانش بزرگوارش علیهم السلام روایت می کند که:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم:

قال: يا رسول الله: ما العلم؟

قال: الانصات.

قال: الاستماع.

قال: الاحتفاظ.

قال: التحصيل به.

قال: نشره.

ثم مه يا رسول الله؟

عبد الله بن يعقوب قزوینی گوید که از ششم علیه السلام از پدرانش بزرگوارش روایت می کند که:

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت:

ای رسول خدا علم چیست؟

حضرت فرمود: سکوت کردن و درم فرو بستن (در کتاب عالم).

فرمود: گوش گرفتن (را بچه می گویند)

فرمود: حفظ کردن آن.

فرمود: بکار بستن آن.

فرمود: منتشر ساختن آن علم.

گفت: بعد از آن چیست؟

گفت: پس از آن چیست؟

گفت: پس از آن چیست؟

گفت: پس از آن چیست ای رسول خدا؟

وصول کافی: باب الزاد حدیث ۴۰ صفحه ۸۲ جلد یکم

مرحوم حاج شیخ عباس مصباح یکی از محدثین این حدیث شریف است که تحصیل علم و دانش

کرد و آنرا بخیط سپرد و خود بکار بست و از راه موعظه و تفسیر دایم از راه تألیف کتاب در آنرا

در بیان اجتماع منتشر است. اینک از حج تالیفات آن مرحوم.

الف: کتب بهائی چاپ شده؛

ص ۲۳

۱- از ربیعین تا نورالیقین در اصول اعتقادات

۲- تعلیمات دینی بطور اختصار رسیده

۳- تعلیمات دینی و فایده همتانی

۴- تفسیر قرآن بنام جزاهم القرآن بهفت مجلد آنجا رسیده تا اواخر طبع آن

۵- جلوه حقیقت در موضوع اصول عقاید

کتابهای نامبرده با نامهای زیر چاپ شده و در روان مطابق فہم و مدک عموم افراد اجتماع

ب: کتب بهائی غیر مطبوع. در کل کتب زیر نیز از تالیفات ایشان است که یکی رسیده است

۱- اصول عقاید بطور رسیده

۲- ترجمه نماز بطور اختصار

۳- تعلیمات دینی بطور تفصیل

۴- تفسیر قرآن در جزاهم القرآن (جله ششم)

۵- حجاب بانوان و لزوم و اهمیت آن

۶- رساله در مباحث الفاظ - مباحث عقلی

۷- رساله در تفسیر بطور اختصار

۸- رساله در فن تئیس

۹- بیحد عدلی در ادعیه

۱۰- نماز یا روضه سنن ایت و اسرار خوشبختی

حجة الاسلام محمد باقر فاضل قزوینی صاحب کتاب مصطفیٰ صلی الله علیه و آله و سلم از مؤلفه های آید
 بزرگوارشان نزد نویسنده آورده اند که مشتمل بر مکتوبات ایشان را یاد داشته
 ایم. این مجموع حاوی قسمتی از پیش نویسهای کتب چاپی آن مرحوم بود و غیر مرتب و در کثرت
 ناقص و قسمتی دیگر جزئیات در سائلی فقهی بود که مرتوم داشته بودند که از این مجموع ناقص و غیر مرتب و در کثرت
 از این من لفظان مجموع استخراج کردم بشرح زیر می باشد.

۲۴

۱- تقریرات فقهی و اصولی رساله خود در بحث متفرقه لبربی

۲- رساله در احکام وضو.

~~۳- رساله در احکام متفرقه.~~

۴- رساله در ارث زوج.

۵- رساله در اراضی معده.

۶- رساله در تنجیم.

۷- رساله در حدود.

۸- رساله در حکم کربا.

۹- رساله در خمس.

۱۰- رساله در صفات حضرت منجلی ع.

۱۱- رساله در صلح.

۱۲- رساله در فرق بین اصل طهارت و عده الید.

۱۳- فصل در بحث از مطالب گوناگون از مباحث فقهی و اصولی و غیره.

۱۴- رساله در قاعدة التواضع و التواضع و ...

۱۵- رساله در عده الاضطر.

۱۶- رساله در کلمات کبیره
 و برخی رسائل و جزئیات دیگر در مجموع رسائل فوق بنویس شده است.

سخنی چند راجع به کتب و یا سنده مردم خارج شیخ عباس مصباح رحمه الله علیه مرحوم مصباح از جمله دانشمندی است که فی الجمله از روحیات مردم عادی و کم سواد که گاه بعد و متوجه بود که یکی از علل مستی اعتقاد است، اجتماع بی خبری از آنها از اصول و معارف اسلامی است و دست بده میکرد که بیشتر کتابی که در موضوعات دینی و اعتقادی نوشته شده است در سطحی است که مردم یعنی کسانی که سوادشان و مطالعات دینی آنان کم است نمیتوانند از آنها بهره مند شوند و از این رو رجعتی در خواندن و مطالعه کتب مذهبی نشان نمیدهند و حال آنکه تشنه درک دینم آن هستند. از این رو مرحوم مصباح بر حسب دستور پیشوایان دین که فرموده: *لنکم الناس علی عقولهم*، باندازه درک دینم مردم با آنای سخن بگوئید. بنامش که خدا در مقدمه کتاب تفسیرش نویسد: *یون برای درک دینم مردم نوشته است* می کرده است ساده و بی پرایه بنویسد و این یکی از مختصات و خصوصیات کتبهای مرحوم مصباح است. از این شرح شخصی از آنها:

الف: کتاب *الربیع* یا *نور الیقین* چهل حدیث در بیان محث اعتقادی - اخلاقی و اجتماعی در ۲۶۴ صفحه چاپ گردید و صفحان بدون تخریج چاپ.

ب: *سازمقدمه ای در اصول اعتقادات*، صفحه ۱۵ شروع به نقل و شرح و بیان احادیث چهل گانه بدین شرح فرموده است:

- ۱- پنج حدیث پیرامون ارکان دین.
- ۲- پنج حدیث در اهمیت اموریکه انجام آبی از نظر اسلام لازم است.
- ۳- پنج حدیث در باره قرآن.
- ۴- پنج حدیث در مورد اطلاق اجتماعی.
- ۵- پنج حدیث در تذاب فضاء حوائج مؤمنین.
- ۶- پنج حدیث در باره لزوم توبه کردن از گناهان.
- ۷- پنج حدیث در باره مسائلی که توجیه بد آنها لازم است.

۸ - پنج حدیث در باره لزوم دعا کردن و ...

درین چهل حدیث ۴۵ صفحه ۸۲ کتب راث علی میثور، بعد از آن کتابی متفرقه در موضوعات

تخلیفه از طرز معاشرت با مردم - نماز جماعت - نه نه شب - حقوق والدین - حقوق خویشاوندان

موضوعات
۲۵

فرائض حضرت سید علیہ السلام در باره حقوق - طرز برخورد با مردم طبق موازین اسلامی
و بلاغره یادداشتی در باب شاد نمودن مؤمنین.

کتاب: اربعین ردیه گرفته کتب جامع و مفیده و از نظر طرز نگارش ساده و بی پیچ و برگزیده است
مطالعه آن برای عموم مؤمنین سودمند است.

ب: کتاب تعلیمات دینی و وظایف همگانی - برای عموم مکلفین نوشته شده و با وصال

کتاب در ۹۵ صفحه بقطع جیبی بدون ذکر نام چاپخانه و سال چاپ

هدیه مؤسسه خیریه علی و حسین همدانیان در ختم الله علیهما

مجموع مصباح در مقدمه کتب می نویسد:

سابقاً کتابی بنام تعلیمات دینی بطور اختصار در بخارا نوشته از مؤلفات من یکی است

رسید که مورد توجه همگان از علما و غیره قرار گرفت. لذا بنای جمع از مؤمنین تقاضا کردند که مطالب

مطالبی بر آن کتاب افزوده شود که بیشتر بکار عموم طبقات است. بخصوص افراد کم سواد قرار گیرد. بنا بر

تقاضای آنها کتاب حاضر تألیف شد در سه موضوع:

تقاضای

۱ - اصول عقاید بطور ساده با ذکر ادله کوتاه.

۲ - فروع دین و احکام طبق ضوابطی مراجع تقلید و لایحه هم الله تبارک و تعالی

۳ - در اطلاق

ج - تفسیر قرآن بنام جلال الرحمن که مردنترین تألیف مرحوم حاج شیخ عباس می باشد و در

دو در چندین جلد بوده و هفت جلد آن تا بشرح زیر چاپ رسیده و جلد هشتم نیز آماده چاپ است که در
مؤلف

بزرگوار آن رات یافته و توفیق چاپ و زنت را که از این یافته است در این فصل
جلد یکم: در ۱۹۸ صفحه قطع دستی و چاپی و صفحان شرح فصل

تا پنج چاپ و زنت را که در ماه ۱۳۳۸ شمسی

مؤلف مدینه تفسیر ۱۴ حدیث از کتب معتبره و تفاسیر مختلف راجع به: حفظ و قرائت قرآن

نفل می کند، بعد از ۹ حدیث راجع به آداب تلاوت قرآن و نگاه بر این بیاناتی راجع به اهمیت

قرآن و آداب قرائت آن را، صفحه ۳۰ شروع به تفسیر قرآن می کند.

شرح و تفسیر سوره حمد (فاتحه الکتاب) - صفحه ۵۲

شرح و تفسیر سوره بقره از صفحه ۵۳ تا آخر کتاب - (۱۰ آیه)

جلد دوم: در ۱۰۷ صفحه چاپی و صفحان قطع دستی بدون تاریخ

از آیه ۸۱ تا آیه ۱۴۳ سوره البقره

جلد سوم: در ۲۰۰ صفحه چاپی و صفحان شش لایه که در حدیث ۷ بدون تاریخ

از آیه ۳۱ تا آیه ۲۳۷ سوره البقره

جلد چهارم: در ۱۹۹ صفحه چاپی و صفحان شش لایه که در حدیث ۲۸۷ بدون تاریخ

از آیه ۲۳۸ سوره البقره تا آیه ۲۷۷ سوره آل عمران

جلد پنجم: در ۲۰۰ صفحه چاپی و صفحان شش لایه که در حدیث ۳۱۸
سوره آل عمران

از آیه ۸۸ سوره آل عمران تا آیه ۱۲۹ سوره آل عمران

جلد ششم: در ۲۰۰ صفحه چاپی و صفحان شش لایه که در حدیث ۳۱۸

از آیه ۱۳۰ سوره آل عمران تا آیه ۳۲ سوره النساء

جلد هفتم: در ۱۹۹ صفحه چاپی و صفحان شش لایه که در حدیث ۳۱۸
از آیه ۳۳ سوره النساء تا آیه ۱۲۹ سوره النساء

از آیه ۳۳ سوره النساء تا آیه ۱۲۹ سوره النساء

کتاب تفسیر جلال القرآن، از کتب تفسیر روایتی است که بیشتر به احادیث در روایات صادره از حضرت
 معصومین علیهم السلام استناد شده و بنیادیت هر موضوعی احادیث در روایات مربوط به آن موضوع
 نقل گردیده و در دیهرفته کتاب در میان حال که ساده و روان و با اصطلاح مؤلف بزرگوار آن علوم
 فهمنا لنبشده و حاوی مطالب زیادی است که برای همه کس نیکه از مباحث لغوی کنند مفید می باشد
 که بهائیکه در این تفسیر از آن استفاده شده است مستفاد یاد بوده و ذیلاً با سامی برخی از آن
 آثار را در پی کنیم.

۲۸

اعتماد - ارشاد دینی - اصول کافی - بحار الانوار - تفسیر ابوالفتوح رازی - تفسیر
 مشوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام - تفسیر صفائی - تفسیر علی بن ابراهیم - تفسیر کبیر الشافعی
 ثواب الاعمال - فضائل صدوق - خلاصه المنهاج - ضیاء التفسیر - حکایات مکتونه - کثر
 الاخبار - کثر القرآن - لئالی الاخبار - مجمع البیان - معالم - معانی الاخبار - منهاج النعمان

الصادقین شرح ابی الدائم و غیره

د. طوبه حقیقت در موضوع اصول عقاید

چاپ اول در سال ۱۳۳۲ بکیرار نشسته

چاپ دوم در سال ۱۳۵۷ بکیرار نشسته در ۳۲۰ صفحه بقطع رستی

که مبانی ساده و روان و جهت درک و فهم عموم طبقات تألیف گردیده است و شلا
 اصول اعتقادی، توحید، نبوت، معاد، عمل و ایمان و هر یک از موضوعات یاد شده با ذکر

آیه و شاهد از احادیث و روایات و بیان اشعار و کلمات مشایخ با روش

این کتاب نیز مانند دیگر مؤلفات مرحوم معصوم کتاب مفیدی است بخصوص جهت جوانان و
 کسانی که اطلاعات الهیاتی دینی و زندگی را به دست آورده و حق و حال مباحثه کنند بهای مسیحا

چاپ اول - راند کر بند

یکی نکته اساسی که بیشتر از هر چیز در تألیفات مرحوم مصباح قابل توجه و تذکر می باشد آنکه:
۱- مجموع تألیفات ایشان با ذکر اخبار و احادیث بیان گردد و باید مؤلف آنرا شایسته تمام

۲۹

و محدث بودن دانست

۲- تمام کتابهای ایشان در موضوع اصول اعتقادات است که باید بر فرد مسلمانی و شیعه آنرا را
بداند و بآن مؤمن بوده و تعیین داشته باشد و این موضوع یکی از نکات حساس در نوشته های ایشان

برحرم حاج شیخ عباس در مقام موعظه در ارشاد در مسجد

عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم :

وَاللَّامُ إِذَا صَرَعَ مِنَ الْقَلْبِ دَخَلَ فِي الْقَلْبِ وَإِنَّا خَرَجَ مِنْ رَبِّهِ لَمْ يَجِزْ وَلَا إِلَّا ذَاكَ .

سختی از سر زبان آید

و آنچه بریزد در دل زبانی
جای گیرد در گوش در دل خوش

در بعضی از فصل جراحی تألیف بر قلم میرزا محمد حسین خان سفیدی (ص ۱۱۱)

عن الصادق عليه السلام.

كُونُوا رِعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ سَبْتِكُمْ لِيُرَوِّبَ لَكُمْ التَّوْبُخُ وَالْإِسْتِثَارَةُ وَالصَّلَاةُ وَالْخَيْرَاتُ فَلَكُمْ دَاعِيَةٌ⁶

ابن ابی لیثفور از امام ششم علیہ السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

یا غیر از ایشان مردم در کار نیستم دعوت و مواعظ کنید (یعنی با اهل درخشان) باید که مردم پاکمانی

اعلوش در اردین و نماز و کمال ریشک شایا ببینند زیرا (این این دین) خود دعوت کنند و بحق و و اعط

قرآن مجید۔ (وصول کی فی ستمبر ص ۱۲۴) باب الرابع حدیث نمبر ۱

از امتثال سوره است که: «طوب خیر و منع رطب کی کند؟» ای یکی از اصول مسلم در امر حفظ و رشد است

که داغ خط خود مویس بقیه بخورد و ببال بکشد و الا گفت رش همچون باد هوا خواهد بود و در سنوگان یا پهلوانه
نایبری نخواهد داشت

از چندین سال قبل بدش برفی از منبریان بر این شده است که در منبریهای معظم کردن و بیان

و حکم و مسائل طلال و حریم و آنچه ملا موردی ما به ملا بقلا و افراد سلطان است بیان کنند و در زلف اهل و

منہا ثبوت شخصیت و ہر اشیاء بشیواریان دین جامعہ کا ہرین علیہم السلام و ذکر معبود بکران بزرگوار

که اگر بحال امور دنیای محروم طرأ مفید نباشد که یقیناً باشد یا یقیناً بحمت و قدرت کران محدود منتهی باشد

از این احوال و خبر این جدید کتر شنیده میشود که از قول احمد مصوبی حدیثی نقل کنند ویرایان آن بحث کنند
بجای از

آریه ای از زبان جمیع قلوب است کنند خداوند را بخشن گویند مستغفری از رب و در جات عفوای کنند و در
 استغفار پیش رو معلوم دینی از در جاحه را بالا ببرند و آن را به حقان دین و روح خود ادا رسانند و شایسته
 علوان و حق بر حق از معین عالم و دلائل نیز از مکتوب منبر تا که مربوط با مردم پس بشد نمی پسندند و منبر این نقطه
 که منبر از هزار بطوری با خدا و پیغمبر و اسلام دارد و رای پسندند و آن بخورد و اگر از دنیا ای و از داندیشی نام می گذارند
 اینک است مطلب بعین انوار بود و از آن قی در میگردش گاهی هم از عویم خود قی در کرده نسبت به علی
 نور و نور و خدا متکبران بر اسلام و شایع میگردانند و بر آنانی خرد میگردانند ضرر و زیان این نوع گویند و آن
 و هر لباسی که باشند و در منبر و اینست بر منبر ای ای اسلام و عقاید از ارسنان محسوس و محسوس است
 در یک چنین حیثی اگر گویند و از غرض بر طیفه فدائی خود از ارادت و هدایت مردم قیام و اقدام نمود باید
 مورد احترام و دست شایسته مؤمنین قرار گیرد عده این از ادرار و در دست گشت و جهد و آن یکی از جهت
 های خداوند است بر جامعه که: دله الحیة الی الله

یکی از این گویندگان که بنوعیه شرعی خود عمل میکرد مردم خارج شیخ عباس معین بود منبر ایشان عباد
 شامل: ۱- چند که از مسائل فقهی را جمع به نماز و روزه و ...

۲- بیان چند حدیث از ائمه طهارت علیهم السلام

۳- تفسیر و شرح یکی دو آیه از قرآن مجید

۴- موعظه و ارشاد و چون خود بختار خود مؤمنان و ربه را تحمل میکرد حرفهای شیرین و شاد

۵- ذکر فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام

۶- بیان معنی حضرت سید الشهدا علیه السلام و دیگر اشعراست معصومین در موقوف ذکر مصیبت خمد

بیشتر از مستمعین آریه میکرد و حاضرین بجهت بده حالت از بریه می افتادند.

باید بگویم که: منبرهای مردم معین مورد رضای خدا و دلیلی دین بود خداوند از او راضی باشد

و از جوید و در شادان و عاطفین بدو عنایت فرماید و گریه و زاری و گریه

حاج شیخ عباس مصباح دنیا و جماعت مجتهدین بزرگوار هر کتب مستقیم برای این جماعت

شرائطی مقرر نموده اند: ۱- ایمان دشتیده و دوازده سالگی بودن ۲- بلوغ ۳- طهارت مولد و حلال

زاده بودن ۴- عدم عداوت ۵- عقل ۶- قرائت صحیح ۷- مرد بودن لازم است.

ضرایح

اینکه در این شرایط باید بیشتر از مورد توجه قرار گیرد عداوت لازم جماعت است.

برای عداوت فقهاء اجمالا اختلاف نظر داشته زیرا بفقوای چند نظر از فقهاء و مجتهدین و مراجع است.

شیعه در این موردش روی یکسانیم (متأسفانه در زمان ما عده ای از افراد با صطلاح تحصیل کرده و نادانها)

اخیر

مسکند برین جوانها نفوذ کرده و افکار انحرافی را بآنها راه داده اند مولف نیز باین جهت از این صنف مدد موضوع ندارد

وهای

جماعت با توجه به اهمیت واجبات و احادیث منقول از حضرات معصومین علیهم السلام درباره آئی مولا:

ما زجاست و لو لم یزل یزید زجاست که اجماعی شیعه بر اینست که عداوت لازم جماعت را در نظر گرفته و در هر یک

و یا اگر عادل خائن یا زجاست منقولند

بجا

۱- مرحوم آیت الله طریحی سید احمد خراسانی در رساله: احکام عداوت که رساله علیه ایشانست میفرماید:

عدالت عبارت از حالتی است که موجب ادا کلیه واجبات و ترک محرمات است و

تنافه می شود بحسب طایفه که موجب اطمینان بآفتاب و یقین ثابت بشود بشهادت و توفیق عدلی

شیایکه مفید و ثوق باشد در صورتی که مبدء است

۲- مرحوم آیت الله دناج سید بهار حسن مدیر ای صفی در رساله ذخیره الممارسین میفرماید:

مسئله: عدالت مطلق است و حسن طایفه را کافرا و ملکه است بحصول فتنی که بجه و ثوق و اطمینان بر

علی الاحوط

برسد

مسئله: عدالت عبارت از آنکه اجتناب از آن که بگویند و اصرار بر آن که صغیره نند

نوس از رضا

بجست

مسئله: اصرار بر صغیره عبارت از آنکه اصرار کند بر آن که صغیره که کرده از چهره و

رفع با و اگر یک دفعه کرده و عزم داشته که مرتبه ثانیه آن کند و یا بکند بمجرد عزم اصرار متحقق نمیشود

مرحوم آیت الله آقا سید عبد الهادی شیرازی در این مسئله در سند اهل البیت نمایند:

عدالت مملکت حسن ظاهر کا ثقل مملکت و حصول ظن از حسن ظن هر کافیه است در حکم عدالت

(ذخیره العادص ۵)

۳- مرحوم آیت الله العظمی نقیه اهل البیت علیهم السلام آقا سید محمد کاظم خردی در عروة الوثقی میفرماید:

العدالة عبارة عن ملكة اتقان الواجبات وترك المحرمات وتعرف بحسن الظاهر (۱)

الكاشف عنها على اوطان وثبت بشهادة العدلين وبأشياء المفيدة للعلم

۱- المعتبر من ذلك هو القدر الذي يعتبر في العدالة والخبر لا يدل على زبدي من ذلك ايضا ۲۰

آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - ما فی عروة الوثقی صفحه ۴

۴- راجع ارباب تل گوید:

عدالت مملکت نه حسن ظاهر بلکه حسن ظن هر کافیه است مملکت را بشرط حصول ظن بملکت

مرحوم آیت الله آقا سید محمد باقر در جوابی در حواشی خود بر این رساله میفرماید:

اكتفاً بكونه بطلان ظن مطلقاً بملک و لوق: اصل عدالت شرطست بنا بر احیاءا در کماله راجح

بد نظر عدم اثر اطمینان و دلوق است از حسن ظن هر (ص ۱۶)

مرحوم آیت الله بروجردی در این باره می نویسد:

بعدن حسن ظن کا ثقل نوعی از مملکت خالی از زندقه نیست . (ص ۲۳ چاپ ۱۳۰۶ هجری)

۵- مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن صفهانی در وسیله میفرماید:

العدالة عبارة عن ملكة راسخة باعثة على ملازمة التقوى من ترك المحرمات وفضل الواجبات

وتعرف بحسن الظاهر ومواطبة في الظاهر على الشرعيات سالكاً ما ونزاهة الشریع من

حضور البحایات و غیره تا کان ~~الظاهر~~ کا ثقل عن الملكة وحسن الباطن على اوطان و

تعرف ایضا بشهادة العدلين وبأشياء المفيدة للعلم . (وسیلة النبی: صفحه ۱۵)

در حال عدالت بهر معنی که باشد بلکه باشد یا حسن ظاهر تا آنجا که من با مرحوم حاج شیخ عباس
مصلح باشند و دست بودم ویرا حاصل می شد و تا کون طواف اینرا از کسی شنیده ام. وی مردی
متقی و پرهیزگار بود و وی در طول عمرش سه طواف شرعی و گدایی دید و می شنیده شد. از غیبت
کردن و شنیدن آن از غیر زردشت از دیگر معاصی پرهیز میکرد و در حقیقت عامل واقعی بود
ولی در مسجد پناهی و مسجد امیرالمؤمنین علیه السلام هر دو در خیابان فردخی در سه وقت نماز جماعت
میخواند و حتی المقعد ترک نمیکرد مگر در مسافرت باشد بعد از نماز مدتی مردم را به غم و اندوه
میکرد و جمعی از مؤمنین حضور در نماز جماعت ویرا میفرمودند و به نماز حاضر میشدند.
گاهی در مجلس و خطبه ها نیز از ایشان دعوت میکردند و ایشان در آن مجلسات
شرکت مینمود. هر موقع که بجزر موافقت زردشت در مسجد از ایشان دعوت میکرد.
در شهرهای جمع خواندن دعای کیل در مسجد و یا در جبهه خشتی در صبح آنی جمع خواندن دعا
ندیده را در یکدست خشتی با جمعی از مؤمنین به حال تشیع در راهی و توسل ششول بود و در ضمن
قراآت دعا و یادگرا حدیث مناسبه و نصیبت اهل بیت اطهار علیهم السلام جمله دعا را هر چه
مفید تر و سودمندتر می نمود. رفته اند علیهم

عبدالله

برخی از خصوصیات و اشیاء زینت در حرم صاحب شیخ عباس مصباح رفته اند علیه.

جمله اول از جمله آیه های صاحب شیخ مصباح فرزند شریف صاحب شیخ عباس در حدیث

۳۵

که اکنون در نظر است چندین خصوصیت از خصوصیات پدر را نقل فرموده که ذیلاً بطور فهرست نقل شود
۱- مراقبت در انجام فرائض اولیه در اقل وقت که محو در مسجد و بیعت انجام میداد و همیشه

و همه وقت بمؤمنین سفارش میکرد که نمازهای خود را اقل وقت و حتی المقدور بجا بیاورند.

۲- مواظبت در انزاج و نماز شب که محو شبها هنگام بیداری و یا صلاهای خود بر از دین

مشغول بود و یک دفعه که او را خواب بود و بعد از اذان صبح بیدار شده بود شنیده بود که با
خود می گفت: که اکنون نماز صبح را این وقت بخوانم.

۳- ساعات و اوقات از منظم بود و بی گناه و دقت و بهیچ وجه تلف نمیشد. هر موقع که

در منزل بود بکلی از این کارها اشتغال داشت: ملاقات قرآن - اشتغال بذكر و دعا - مطالع کتب
و فدا صله تا لیل و تصنیف.

۴- از سخن لغو و حرف بهیچ وجه گفتن نهایت احتراز داشت خود را بیکسو و لغو نمی گفت و

بیداران نیز سفارش می کرد که از حرف و عمل لغو بپرهیزند که رزق نهایی مؤمن یکی و الهی
عین الدخول معروف است.

۵- غیبت و بدگویی از مردم نمیکرد و اگر کسی در مذهب او از دیگری غیبت میکرد و یا از وی میگوید

و بد آنکس که بدگویی از مردم میکرد می گفت: ما که غیبت کنیم چه مطلبی غیر از این باشد و در حرایت است که

انحال مؤمن را باید تا افتاد درجه و افتاد درجه حل بجهت کرد.

۶- در کایه حالات صدقه دادن را فراموش نمیکرد و اگر چه مقدار کم باشد و اگر خود موجودی در دست

بوام گرسن از زندان صدقه میداد و بعداً قرض خود را ادا میکرد. بعضی فقیری را با پولی دانا میداد
نمی نمود و سعی میکرد صاحبیت او را بر آورد.

۷- دانشمندی به ریا و بدون ادعا بود. در تمام حالات و در محکم که بهای خود می گفت:

«هذا من فضل ربي» این از الطاف بیکرون حضرت حق در باره این بنده نه چیز خودی باشد
که مرا توفیق تالیف این کتاب انجام این عمل نیک را داده است هر چه بهتر از دست.

عبر ۳۹

مرحوم حاج شیخ عباس مصباح و شعر و ادب و خرد و نه قادر متعال ^{نهاد} هر چه در دست مردم ایراد را عموماً
 با شعر و ادب سرشته و بیشتر مردم این سرود بوم از روی طبیعت ادبیه دارای ذوق ادبی و قدرت
 سرودن اشعار ^{می بینند} بدیخی از افراد این موهبت الهی بسر حد کمال و در بعضی دیگر در پائین ترین
 درجات است گن اینچه در همه مشترک است ذوق و استعداد فطری و خدادادی و غریزی است
 مرحوم حاج شیخ عباس مصباح نیز از این اصل کلی مستثنی نبوده و لکن به موجب موقعیت زمان
 و مکان و حال و وجه اشعار می سروده است و اینک به عنوان نمونه

سپاس به حد و بر برای خالق عالم	چگونه خود دستش توان بجا آدم
چو سرده شه دین را بچشم خود دیدم	تا می رفته الفت زهره بود بر دیدم
زیارت نبی اکرم و چهار امام	که هر که دم بخورد رسید به بران اقام
مؤخر یکی بنام علی دگر بنام حسن و ع	بدنه باقر و جعفر ستاره روشن
بسم و اخوان فروزان بصحنه تدخیر	بدنه حاکم و فرمانده از فدای مجید
نهاد نصیب کند جمله شیعیان جهان	که تا شوند سرافراز جمله از زیارتشان
چه صحنه ای فروزانی ز علی و برکت	که آنچه گفته آن نه است تا بریدرجاست
اگر چه دشمن دین حوالت تا نهایی سازد	نه نفر دانش و نبش ز مردمان گاهل
اگر چه صیبت بر ایشان ز جهل است	نه قبه و نه رواق و نه صحنی و نه صوم
لیک نه حقیقت کجاست و نه غرض نهان	که است تو به و دارد همیشه است عیان
ز شود عشق پنهان اشکها فرو ریزد	که سیل رحمتش زانینان ذرا خنبرد
ز کردگار جهانی خواستم زیارتشان	برای جمله یاران و دیده گریان
امید دارم بختم ز خالق عالم	که شیعیان جهان را آید از لای غم

که ز زیارتشان نصیب ابرار

و بهم از انظار آن مرحوم است .

ز رنگوارضای بخت داشت چهار

ز محزون گرفت بهره مند گشت ، را

بد آنکه تو یو رود و در پیغام ده

امید دار خدایت که مگویم غمناکی

کنم بگویم چرخ جده کار ؟ تجدید

تو ای فدای جلیل و کریم و بنده تو را

قسم بدارت جلال تو ای فدای کریم

که جود و رحمت تو دراز باد در این مدار

بنا ز مندر کسی در جهان بکن ما را

مرا ذلیل نگردان از عزت جا هم ده

بیس از زیارت پیغمبر ترا ای قائل

امید من شود نا امید رب جمید

مرا چه زود آید که جزو جیح فایمید مسافر

که در سترای علی را از خود مسافر جیم

در مدح و منقبت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

بجکم عقل سلیمت بران اسطور مستم

علی است - بلکه شفاعت کند بر ذریعت

بنا بران شرفش کنیم عرض ارادت -

که حق بدار بایشان بلطف بجز را

بیس از رسول اکرم علی او سرور عالم

کسیکه در شرف یافت میر پستی است

بدست او دست کفیه هست رسانی کوز

غریب هر دو چون نند فایده آن ای حضرت

ایشان در مدح حضرت علی علیه السلام

تا شوی روز قیامت شفاعت فرستد

به خرد آنکه از این راه بگشت

و هر که سواش منم است عیش مولاد

ای خردمند تو با هر علی کن پیوسته

بجز از راه علی نیست راهی سستی

گفت در در عیدش نبی صاب

روح حاج شیخ عباس مصباح در ضمن اشعار بر آن گزیده و غنای آنی که جمع آوری نموده گوید:
عباسیت خندان سر حضرت زینب یکو به نعلی:

چه زینب دیدم راس شاه دین و
ز افغان نزد نعل اول حسین را
که چون اندر فضای شاه باشد
گناده صد نقش ناملود باشد

گویند شیخ عباس مصباح
در مجلسی که عدد ای از دست جمعی از دوستان روح حاج شیخ عباس گزیده از اشعار فرموده است:

جلسی شد جلوه گر از دستان نذر اخیرین
آخرین باد بر این مجلس نزار از اخیرین
باشکوه از در دست عزیز ثنائیک
گشته از لایق عجب زکبر جمله پاک

تذکره: اشعار فوق اگر چه از نظر ادبی و صفت شعری در رای نادقیقی است و نمیتواند برای سرانیده و نه

اقتضای و شخصیتی ادبی ایجاد کند و از آنجا که از زبان فردی است بیست و بیلی پاک و عشق و محبتی است

شده و نه بیت از علاقه دردنی را بیان واقعی ادبی کند حال گردید و امید است خواننده لسان محترم فقط

بخط ایان و عشق و علاقه مرحوم مصباح به اشعار نظر کنند و از این جهت حجت بیرون شود.

ادوار . از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست بردارست شد است که فرموده :

اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاث :

۱- علم ینتفع به :

۲- و صدقه تجری له :

۳- او ذکله صالح بعد حوله (۱)

یعنی انسانی بجز در این سه راه حال آن بغير از سه کار از او بریده میشود :

۱- دانشی که از او بگذرد ۲- صدقه ای در ربه بگذرد و تن آنکه از او باقی ماند در مردم از آن بهره مند شوند ۳- اطوارش بجهت ای که برای او دعای خیر کند .
این حدیث شریف بجهت راجع دیر مملکتی بهین مضمون در آن بهای مختلف نقل گردیده است

که یکی از وجوهای باقی نام انسان : اطوارش بجهت است

رحم حاج شیخ عباس مصباح رحمه الله علیه از این نظر نیز مورد اطفاف است حضرت حتی قبل از
بوده و فداده متعال سه فرزند بر ما ضل و بردمند خد شکر را و دیدار و بیخ دختر را عنایت فرمود .

۱- حجة الاسلام دامادین آقا حاج شیخ محمد مصباح که اکنون در حوزه علمیه قم به تحصیل احراز
ارامه میدهند در حدیث و تطبیق و ادب و معانی خوانده و سطوح علیه و خارج فقه و اصول را در علم شغل است
۲- آقایی که در تفسیر (آتمانی) که تحصیلات علوم فقهیه و غیره را در صفحی از پنجم میداند .

۳- دکت دانشمند حجة الاسلام آقایی حاج آقا مصطفی مصباح که در صفحی مستوفی تحصیل در
تدریس آید بوده و بعضی و فقهیت کامل و خوشتر است که در ادب و شایسته میشود امید
ترقیات زاید در برابر ایشان نمیرود . اکنون موفق بتألیف چندین کتاب در رساله در موضوعهای
مختلف گردیده . گوییم بهیچگاه نام که آنها تاکنون بی پیرسیده است

۱- بحار الانوار ص ۲۳۳ + دفترة الراعیین صفحہ ۱۵ + عوالم العلوم ص ۲۷۱ + کافى

نعت عن الصادق علیه السلام

إِنَّ أَمِيَّتَكُمْ عَلَى هَذَا الشَّيْءِ تَفْتَتِ : رَأَى بَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ ؟

قال : أرى والله : رَأَى بَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ هُوَ غَدِ رَقَبَهُ يَرْزُقُونُ .

ابو بصیر گوید که حضرت امام ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام فرمودند :

ای ابو حمزه (کنیه دیگر ابو بصیر است) بدرستی که مرده شما که بر این ارباب (یعنی شیعه) بوده و قبیل او

دولایت خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسم نموده باشد سینه مرده است (یعنی اجر سینه دارد)

و من اگر ام اگر چه در بستر بمیرد (در سینه افتاده نشود)

حضرت فرمودند : اگر کسی بخدا قسم : اگر چه در بسترش مرده باشد (از زنده است) در روز قیامت

روزی سنجیده را)

مرحوم حاج شیخ عباس نجف از یک عمر مشغول آنکه مدارج تحصیل علوم دینی و نشر

احکام و ابلاغ مسائل حلال و حرام و بیان فضائل و مناقب حضرات معصومین علیهم السلام و ذکر صفات آن بزرگوار

بودم باز به توفیق الهی در شب چهارشنبه ۲۲ دی ۱۳۰۸ هجری قمری در مدینه منوره در وقت صبح روز

چهارشنبه چهارم شعبان ۱۳۰۸ هجری قمری در مدینه منوره در وقت صبح روز

دو شنبه در بستر خود در آن رحم جلی گردید

و من : رحم حاج شیخ عباس نجف را بر کز انجام مراسم مذهبی در روزی که از آن بزرگوار

در آنم از آن مقام حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دفن کردند

بی گسختن آن محکم در روز چهارشنبه صبح عصر در مسجد جامع رشت در روز جمعه در مسجد پیامی رشت

در حیابان بنامی قتل آنم هجرت ایشان منقذ گردید و محمود طبیب با آن حضرت شهادت در رسیدن و طلا

در آن شرکت کرده و در محضر علمای آن روزگار آن را در دست گرفته اند.

این فرزند دار است که در بین اهل علم و فضل که فرزند بیانا نامده حضرت امام همام حضرت

موسی الکاظم علیه السلام می باشد در کتب انساب بهت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرزند ی بنام
ادهم زار شده است.

در کتب انساب در کتب غیر معتبر در انساب ای دیده:

ادهم بن موسی بن جعفر علیه السلام را به ریسرود (ص ۱۲۱)

در کتب: ریاض الانساب معروف به انساب بنی هاشم: ... می دیده:

ادهم بن فضل بن عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام در انساب و انساب

در حدیث بزرگ حضرت صالح علیه السلام در انساب و انساب عبدالله فرزند ی بنام

فضل در کتب معتبر زار شده است که لقب ی بنی که فرزند ان و بنی بنی و ادیم نیز شهرت فرزند (دیده که

تا ادیم در شهرت و چون علما این را در حلیل و محترم در در دره تقییم بر سر برده و از آن پس علما دینی عباس
و نامورین که آنها احتمالاً نام خود را عوض کرده اند. و العلم عند الله تا بر دانه

مرثیه و اوده و پنج ذلت روحم حاج شیخ عباس مصباح رحمه الله علیه .

چند نفر از شعراء و گویندگان و صفهان در ذلت روحم حاج آقای مصباح در نماز و پنج
ذلت ایشان در شایسته سرودند که در آن جمله است:

کرامت

۱- رشتی: آقای رشتی شاعر بزرگوار در دست رشتی و رنما و آن مرحوم گوید:

خاموش گشتند مصباح اهل ایمان گشتند جمع یاران در سوگ او پریشان

مصباح نیکو فرجام عکس آن نگویم آن کز نیکوی اسلام کوشیده تا دم جان

آن مرد پاک طینت سر تا به پا حقیقت آن ناستر شریعت آن کز فضل و عزت

از روی نیکو رانی عمری بیارسانی در عین بیاری تفسیر کرد قرآن

در روز نه گمانی گفت از جهان گمانی از بزرگان گمانی سودا ند طلب یاران

از تن جو رفت جانش در غلغله سنان سر در شد روانی از روی وصل جانان

جمعی به سوگواری جمعی به گاه و زاری جمعی ز غم ری از رطبت به افغان

چندین کتا بیلگو بر خای مانده از او از جوش بگیرد از به در روز شرمینان

یا خونی تنی آسانی در شرفم خدائی گفت رشتی رنمای با چشم اشک افشان

۲- عشقی: آقای سیرابا شاعر توانا در مرثیه او بصنفت توشیح گوید

۱ حدیث دانش و دین را مکاتیب دیوان حساب روز بسین راز پیش در فرمان

۲ اراده اش عمل آرا به اسرع اوقات رت ره اش سخن اخرا به متن ذات صفات

۳ جهاد و روزه و حج را به نفس زینت بخش شهاب را به غم را به بمرتبه سیر

۴ شهاب را به غم را به بمرتبه سیر شهاب را به غم را به بمرتبه سیر

۵ کایمین الهرد و هزاران به نیسان بیع یار صلح و صفار گرفته از کف تیغ

ع	خواب باده عشق چهارده معصوم	خیانت شاه جام جهان نمای علوم
ع	عبادتش بانه تعود لاجل عجز و نیاز	عبادتش بامر دانتظار شاه هجده
ب	بهار لاله در جان شکر از تدبیر	بهار باغ و گلستان حکمت از تقدیر
ا	امین گنج زرافشان بخت قران	ایمان نظم گهرزای قلم ایمان
س	سواد بینشش داده بهر دین یار	ستاره باز در چشمش از قدرت دلال
م	مدار فضل و فطن را مدار طرب نما	مقیم کوی راز را مغیث با برجا
ص	صباح ثم ظفر از فروغ روز افزون	صلای شتر بنر را سیر و سکون
ب	بقای روح روان را چونانی فی الله	بهایی جوهر جان را چون گوهر دلخواه
ا	ایمان نداد سپهرش که در جهانی تمیز	از فضا بخش شود همچو ابر در اختیار
ع	عصام قدر رایش عذراش عشقی	حجاب بهره جانش کلافه عشقی

سماطی: آفتاب حسن که ظنی بر ادبیات عزت بردست دست سیر آن روحم گریه متخلص

مصباح فروغ دیده ما	آن گوهر آسمان تقوا
آن منظر زهد و یاری	روشن بصفایت بکریائی
روشن بچرخ مکر و بینش	بنیاد از فروغ آفرینش
آن گوهر فیض بخش ایمان	شد گوهر پاک و نایاب
چونانکه صفای سیرت او	ظاهر بود از بصیرت او
آن جلوه که در نور بیان است	نمات تجلیات جان است
ظنی کرده بر اصل شریعت	پی برده به دادی طریقت
دلها همه از صفای عاشق	پی برده به دولت مقامش
با فغان ز رنگارنگ تحریر	رو کرد به شرح و بسط تفسیر
تفسیر کتاب و سمانی	از او اثری است جاودانی

از خاتم ادب و نور بزیبانی	تاری شده رحمتی فراروان
جاریست رخساره روانش	فیض نظر از خط بیانش
عطر گل در آره های نیکو	رویاست از باغ حکمت او
جانبخشی روشن کلامش	بیدارست از حقیقت حسن تاملش
آثار مؤثرش بدوران	گل کرده به سبزه رشادیمان
آن مشقه سوز محفل	ز در داغ فراق بود دل
یکباره از این دیر زمانی	بر چید بساط زنده گانی
یعنی که به امر حق سبحان	آن نوح حقیقت از دل و بیان
از جنس تن آن طلسم پاک	بر دوازده روی از ظاهر
اودخت و بر اوج دکان شد	تا آنکه محله جنان شد
دل سوخت ز داغ ماتم او	می گفت <u>مرا دی</u> از غم او
آن خانه شعله ز سوزش	خاموش شد از عطف فروزش
آن نور البرق گرفت خاموش	از تیر نظر شد خاموش

۴ - عذر داده از جسد فاضل گرامی و ادیب دانشمند و خطیب توانا آقا محمد باقر میرزا
 نجفی فرزند گرامی مرحوم آقا کمال الدین فرزند مرحوم حجة الاسلام در کمالین عالم غایب زاده حاج میرزا
 محمد حسن نجفی (۱۲۷۸ - ۱۳۹۱) فرزند علامه فقیه و آقا فیضیه مرحوم حاج میرزا محمد نجفی (۱۲۸۸ - ۱۳۰۷)
 فرزند مرحوم علامه محقق مجتهد کمال غایب زاده جامع محقق و معقول و عالمی
 فروع را اصول گرفته سید محمد حسن مجتهد ^{صنیع} _{سرموی} رحمه الله علیه و سلم الله در ریشه داده از باغ دولت

مرحوم حاج شیخ عباس مصباحی گوید:

در فراق نیک نامی یار

باز شد شهر سپیدان در غزا

لیک مصباحی بمعنی برهه

تا آمدی عباس مصباحش لقب

بود از روی جلوه گرایی ادعا

ز هد سلطانی و صدق بود روی

در طریق انبیاء و اولیاء

مرد تقوی و فضیلت بود در وقت

که به منبر که به حجاب دعا

رهفای مردم از علم و عمل

در ره توحید دین سعی از صفا

در تمام عمر بر بارش نمود

خود جزا هر شهادت این مدعا

عارف تفسیر قرآن کریم

تا بهمان از جمع مصباح

در جادوی نخستین شد غوث

شیخنا العباس مصباح الهدی

گویا تا رخ می آید آقا

آقا = ۹۲ شیخنا = ۹۶۱ - العباس = ۱۳۱۳ مصباح = ۱۴۱۱ - الهی = ۵۰ شیخ = ۱۴۰۸

۵ - کتابی مصطفی حادوی شاعر گرانمایه در مرثیه آن مرحوم گوید:

گلزار شد به نام درخت عزرا گرفت

گلچین روزگار چو این گل زنا گرفت

بنظر می آید دست زنا زنا گرفت

کانون علم و اسوه تقوا و فضل را

بنی زنگ در حدف دیده گل گرفت

آندم که جام عمر گل بنفشه شکست

رفت در میان بر سرش برین فنا گرفت

زین تنگدلی خاکسپور شد تا بنا گرفت

این عالمی که عالم نامی زنا گرفت

سرشته عطف و دریا می نهر بود

عالم زینش نور وجودش ضیا گرفت

گرفت خوش شمع و جودش از جمع ما

کلی کرد که جهان باد زمان
این گویای که در صدف دهر جا گرفت

خوشبخت آن کسی که یو مصیبت مع و بهمان

راضی به امر حق شد و نادر خدا گرفت

خداوند رحمت به عیانت ما بروج بر تنو حش نازل گردان و از دریای کرمیت کام نشنم

جانش را سیرا کن او در سدهای پیغمبر تو داهل بیند گرامی پس بعد و به این دوستی عشق

می و ز به رخصت و نایب آن بزرگواران را ما کم بر سیرا باز گو میفود و گاه مظاهر لاهی از طبع

در افت اشق شاد می گرد

هر کس بدوستی علی سرفراز شد
از خلق عاشق جهان بی نیاز شد

داشت . در رد جبهه شازدهم ذی القعدة الحرام ۱۰۸۸ هـ ق برای درک زیارت امامزاده محترم

استلک در هم هست قرار است ، که رتق ب بری اربع مؤمنین با خضر دست درین خود عالم
بزرگوار در حرم حاج شیخ عباس سباع با تفاق حجت الاسلام زاده محترم آیتای حاج آقا مصطفی سباع
به دست گردانیم .

۴۸

امامزاده در ضلع غربی حیوان استلک قرار گرفته و صحن و فضایی آن با اندازه یک متر تریان
حیوانی ارتفاع دارد . دارای صحن چهارگانه در ^{باله} صحن ، تیریدر حرم حاج شیخ عباس
صحن امامزاده قرار دارد در سایه های اخیر امامزاده ترسائی شده و گنبد در راق دیوان آن
بسیار عالی تزیینات خنجر دارد . داخل حرم امامزاده نقاشی در کجری شده و ردی صحنی است
پس از کشته آبی قلی گذارد و در زیر بیانی داخل حرم اندوده اند . ضریح بزرگ در کوفه کمالی بزرگی
چتر قرار گرفته و چتر در داخل ضریح جلوه خاصی دارد .

در بنا عظمت و بزرگواری صاحب قبر و هیبت سلطنت امامزاده محترم هزارگی را
حسنت تیر قرار دارد . و برای نیز تحت نفوذ روحی خود قرار دارد . جهت آن بزرگواران که خوانندم
و محسن برای کلیه مدفونین بدان قرار میسر طلب مغفرت و آرزایش نمودن سیر از اسامی
براجعت کرده و در بدایع امامزاده خوانندم که : *لا جعله الله اقر العبد منی لمراد*

نامند جغرافیائی کلمه: دستجرد از داسی مرکب است که از: دست در هر دو یا گرد مرکب یافته است
کلمه دست در کتب لغت به معنای دست راست استعمال شده از آن جمله:
دست یعنی هر حرف آن که بر روی آنرا یاد گویند.

پست مکلفی قدرت و قوت

رَبِّ بَعْثْنِي أَعْلَاهُ وَطَرِّزْ دَانِش دَرِ اَمَش .

رشد یعنی : برآورد و دردم و کرات و دوست .

ریتہ بھئی؛ فرصت

دست بجهنی: یک چیز تمام دهند: یک دست لباسی

بمعنی : سزا شنید

ریت بھٹی : ناپیدہ و نفع رسود .

بیت بمعنی، فتح و نصرت دیرمدی .

برای دیگر معانی در ترکیبات آن بکتاب لغت مراجعه شود.

و کلمه گردیده از نوات قریب کرده. و کلمه گفته اند نیز بمعانی زیر استعمال گردیده است. (گرد و روزن هند)

لکڑی بجنی شہر دیلہ .

لکڑی یعنی لکڑی در ہر چیز میں در لکڑی (نقل)

گرد یعنی دور و اطراف ~~من~~ : گرد شهر : در هر جا که میماند معنی لازم را فایده است
نیای این کلمه : دست گرد یعنی : اطراف شهر — برای دیگر معانی کلمه گرد و ترکیبات آن ببین گفت و راجع بود

در تمام شهرهای ایران قرار و نصب زیلی و حتی سرتانی باین نام خوانده شد. که همچون :

موجود برادر - خسرو داد - دارا بگردد طراز بگردد - مستنیر و استمداد - لوستن گرد -

علی گڑ (مذکور در ص ۳۵۹ کتاب بی بیخ دیار بکریمه) لایف ابو بکر صدیق (رضی) - فرهاد گڑ (در قریه ای از ولایت

جام ص ۳۱۸ - تاریخ دیار بکریه ۱ - ملا زکریا - هفت اردو غیره

در اصطلاح و تالیفات این چندین قرن به نام رستخیز و دوستدار معروف است لذا آنجمله:

دستگردان فراد. بد چهار حال - دستگرد ب خود. دستگرد خیار. دستگرد در داده - دستگرد

طالعی - دستگرد مورچه که گزرا دستگرد بعد آبار نیز خوانند. نوشته اند

و از منسوبین به دستگردان: دکتر انزلی - لودائی دستگردی - هندک دستگردی - وحید دستگردی -
دستگردی الهی از معاصرین و از اجداد منسوب به دستگردی می باشند
مرحوم حاج شیخ عبدالصباغ دستگردی منسوب به دستگرد بر خوار -

ص ۵

به الله للوزاره جمال الملة والدين محمد دینم و بخردی اصفهانی در قرن هشتم از تبریکان و صاحبان قدس
و منصب در اصفهان بوده است (معاود ترجمه حسن اصفهانی)
معلوم نیست که وی منسوب به کدام یک از بخردی های اصفهانی است

توضیح: در فرهنگ معین در ضمن بیان ترکیبات و مشتقات کلمه دست گردید:

دستگرد (فتح دکر گاف ماری) = رسیده - دستک - بلوی - یعنی

۱- قریه ۲- زمین هموار ۳- زمین و ملک زراعتی ۴- بنائی مانند کوشک که گردان خانه
باشد (انتهی)

الحمد لله علی حسن توفیقته

سپاس فراوان و شکر به حد حضرت حق علی و علا را که به این بنده خوار

توفیق عنایت فرمود که این رساله موعظه را در شرح حال یکی از خدمتگزاران به دین

رسر یاران جان نشا را سلام تألیف کنم. امید است که در طی آن در مدح و یا قدح افراد علم

طبیعت نگردد و اختیار از دستم بیرون نرفته باشد کسی را به حال گناهان ننموده باشم و در بیان

از خداوند ^{غفور رحیم} از کلمات آن طلب مغفرت می کنم و از خوانندگان نیز می خواهم

که مرا از ردعای غیر در دوره زندگی و پس از مرگ فراموش نکنند

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید صالح الدین لودوی

حنق المظهر ۱۴۰۹ ه. ق